

ژاپن - روسیه  
رابطه بدی که بدتر شد

در حالی که جنگ در اوکراین وارد سومین سال خود شده است، روابط ژاپن و روسیه پیوسته بدتر می‌شود. روابط مسکو و توکیو هیچ‌گاه بدون تنش و اختلاف نبوده است. این روابط از زمان جنگ جهانی دوم که دو طرف در دستیابی به توافقی روشن در راستای پایان دادن به مجموعه‌ای از اختلافات شامل اختلافات ارضی ناکام ماندند، دچار مشکل شده است و حتی پیش از آغاز جنگ اوکراین نیز توکیو از افزایش حضور نظامی روسیه در جزایر کوریل نگران بود. به‌رغم اختلافات گسترده که به آن‌ها اشاره شد، شینزو آبه، نخست‌وزیر پیشین ژاپن که از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ قدرت را در اختیار داشت، چین را بزرگ‌ترین تهدید علیه امنیت ژاپن می‌دانست و از همین رو می‌کوشید با تقویت روابط با روسیه، وضعیت امنیتی ژاپن را ارتقا بخشد و از خطرات و تهدیدها بکاهد. براساس گزارش تاس، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و شینزو آبه، بیش از ۲۵ بار به‌طور خصوصی با یکدیگر دیدار کرده بودند و ۱۰ بار نیز گفت‌وگوی تلفنی داشتند. روابط پوتین و آبه بر پایه احترام متقابل زیادی که دو طرف برای یکدیگر قائل بودند، بنا شده بود و منافع مشترک دو کشور از جمله گسترش روابط تجاری نقش تقویت‌کننده این رابطه را ایفا می‌کرد. در سال ۲۰۱۳، حجم مبادلات تجاری روسیه و ژاپن به بیش از ۳۴/۸ میلیارد دلار رسید و به‌رغم کاهش قیمت نفت تا سال‌ها این روابط در سطح خوبی باقی ماند. در سال ۲۰۲۱ و در حالی که کرونا همه چیز را تحت تأثیر قرار داده بود، حجم روابط اقتصادی دو کشور حدود ۲۰ میلیارد دلار و ۴۵ درصد از این مقدار به تجارت نفت و گاز بازمی‌گشت. پس از حمله نظامی تمام‌عیار روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، توکیو مجموعه‌ای از تحریم‌ها را علیه روسیه به تصویب رساند و علاوه بر حرکت به سوی کاهش واردات، دارایی‌های مالی بانک مرکزی روسیه در ژاپن را نیز مسدود کرد. تصمیمات ژاپن از جمله وضع تعرفه برای واردات کالاهای روسی باعث شد تا حجم تجارت دو کشور در پایان ۲۰۲۳ به ۱۰ میلیارد دلار کاهش یابد. ژاپن تاکنون حدود ۱۲ میلیارد دلار کمک برای اوکراین ارسال کرده است و این از نگاه روس‌ها اقدامی به‌شدت خصمانه تلقی می‌شود.

آن‌ها همچنین اعلام کرده‌اند که حاضرند موشک‌های ضد هوایی پاتریوت خود را برای اوکراین ارسال کنند. این سیاست ژاپن با واکنش شدید روسیه همراه شد؛ به‌طوری‌که وقتی فومیو کیشیدا، نخست‌وزیر ژاپن از آمادگی کشورش برای مذاکره با روسیه بر سر حل اختلافات ارضی خبر داد، دمیتری مدودف، رئیس‌جمهور پیشین و معاون شورای امنیت ملی روسیه خطاب به او نوشت: «ما هیچ اهمیتی برای احساس ژاپنی که نگران آنچه سرزمین‌های شمالی می‌خوانند، نیستیم. این مناطق از نگاه روسیه اختلافی نیستند.» مسکو تا میز نوشته است که این موضع سرسخت روسیه نوعی واکنش به یک کشور «غیردوست» در شرایط جنگ بوده است. ژاپن همچنین ابتکارات اقتصادی زیادی را برای بازسازی اوکراین مطرح کرده است که برای مسکو خوشایند نیست.

در اواسط فوریه، دولت ژاپن میزبان کنفرانس ژاپن و اوکراین برای ارتقای رشد اقتصادی و بازسازی بود. این کنفرانس که توسط دولت‌های ژاپن و اوکراین و همچنین سازمان‌های تجاری سازماندهی شده بود، از نگاه کارشناسان به‌عنوان شاخصی از اولویت‌های ژئوپلیتیک ژاپن در حمایت از بلوک غرب علیه روسیه تعبیر می‌شود. از نگاه ژاپن، تقویت روابط روسیه و چین که پس از جنگ اوکراین نمود آشکاری یافته است نیز یک تهدید جدی علیه امنیت ملی ژاپن است و همین مسئله در کنار مجموعه‌ای از موضوعات دیگر باعث شده تا ژاپن در پی تقویت توان نظامی خود و افزایش قابل توجه بودجه نظامی باشد. در حال حاضر تنها در دو حوزه روابط ژاپن و روسیه رو به بهبود است که یکی بحث توافق بر سر صادرات ماهی به ژاپن و دیگری افزایش توریست‌های روسی در ژاپن است.



توضیح: آنچه می‌خوانید صرفاً ترجمه‌ای است که گزارش جامعه اطلاعاتی آمریکا و مواضع اتخاذشده در آن لزوماً مورد تأیید روزنامه هم‌میهن نیست. هدف از انتشار این متن، صرفاً آشنایی با شکل تفکر سیاست‌گذاران آمریکاست.

در طول سال آینده، ایالات متحده با نظم جهانی مواجه خواهد شد که به شکل فزاینده‌ای شکننده است. این نظم به دلیل تسریع رقابت استراتژیک بین قدرت‌های بزرگ، چالش‌های فراملی شدیدتر و غیرقابل پیش‌بینی‌تر و درگیری‌های منطقه‌ای متعدد با پیامدهای گسترده‌تر تحت فشار قرار می‌گیرد. چین بلندپرواز اما مضطرب است. روسیه متخاصم خواهد بود و برخی از قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و بازیگران غیردولتی توانمندتر، قوانین دیرینه نظام بین‌الملل و همچنین اولویت ایالات متحده در آن را به چالش خواهند کشید. به‌طور هم‌زمان، فناوری‌های جدید، شکنندگی در بخش بهداشت عمومی و تغییرات محیطی فراوان‌تر هستند و اغلب تأثیرات جهانی دارند و پیش‌بینی آن سخت‌تر است. کافی است به بحران غزه نگاه شود که توسط یک گروه تروریستی غیردولتی بسیار توانمند آغاز شد. این حمله تا حدی توسط ایران تقویت شد و با روایت‌های مشرقانه توسط چین و روسیه برای تضعیف ایالات متحده در صحنه جهانی تشدید شد. این رخداد مشخص کرد که چگونه یک بحران منطقه‌ای می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای داشته باشد و همکاری‌های بین‌المللی را در مورد دیگر مسائل مرم‌په‌چیده کند. جهانی که از این دوره پر فراز و نشیب بیرون می‌آید، توسط قدرتی شکل می‌گیرد که قانع‌کننده‌ترین استدلال‌ها را برای نحوه اداره جهان و نحوه سازماندهی جوامع داشته باشد و بتواند تعیین کند کدام نظم در پیشبرد رشد اقتصادی و تأمین منافع مؤثرتر است. تهدیدهای سنتی و غیرسنتی از سوی دشمنان ایالات متحده، مجموعه‌ای از مسائل منطقه‌ای با پیامدهای احتمالی بزرگ‌تر و جهانی و همچنین چالش‌های کاربردی و فراملی، مانند اشاعه، فناوری‌های نوظهور، تغییرات آب و هوایی، تروریسم و مواد مخدر غیرقانونی از جمله موضوعات این گزارش هستند.

چین

شی‌جینگ‌پین، چین را به‌عنوان قدرت برتر در شرق آسیا و به‌عنوان یک قدرت پیشرو در صحنه جهانی تصور می‌کند. حزب کمونیست چین تلاش خواهد کرد تا چالش‌های مرتبط با اعتبار و مشروعیت خود را برطرف کرده و نفوذ ایالات متحده را کاهش دهد، بین‌واشنگتن و شرکای آن شکاف ایجاد کند و هنجارهای جهانی را که به نفع نظام استبدادی این کشور است، تقویت کند. مهمتر از همه، جمهوری خلق چین، تایوان را برای اتحاد تحت فشار قرار خواهد داد. این اقدامی است که نقاط اصطکاک بحرانی با ایالات متحده ایجاد خواهد کرد. با وجود شکست‌های اقتصادی، رهبران چین سیاست‌های اقتصادی دولت‌محور را برای هدایت سرمایه به سمت بخش‌های اولویت‌دار، کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی و امکان نوسازی نظامی حفظ خواهند کرد. چین اقدامات رقابتی واشنگتن علیه پکن را به‌عنوان بخشی از تلاش گسترده دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی و فناوری ایالات متحده برای مهار ظهور این کشور، تضعیف حاکمیت حزب کمونیست و جلوگیری از دستیابی جمهوری خلق چین به اهداف منطقه‌ای و جهانی خود می‌داند. با این وجود، رهبران چین زمانی به دنبال فرصت‌هایی برای کاهش تنش با واشنگتن خواهند بود که معتقد باشند این اقدام به نفع پکن است و از منافع اصلی آنها محافظت می‌کند.

چین با چالش‌های داخلی بی‌شماری مواجه است که احتمالاً مانع جاه‌طلبی‌های رهبران این کشور خواهد شد. رهبران حزب کمونیست مدت‌هاست که بر این باور بوده‌اند که رشد اقتصادی چین مبتنی بر فناوری می‌تواند تضمین کند این کشور می‌تواند از کشورهای غربی پیشی بگیرد. با این حال، تقریباً به‌طور قطع رشد چین کند شده است. جمهوری خلق چین وزن اقتصادی خود را با قدرت نظامی رو به رشد و تسلط دیپلماتیک و تکنولوژیکی خود برای رویکردی هماهنگ جهت تقویت حاکمیت حزب کمونیست و تضمین آنچه که به‌عنوان قلمرو مستقل و برتر منطقه‌ای خود می‌داند، با حرکتش به سمت تبدیل شدن به یک قدرت جهانی ترکیب می‌کند. در سال ۲۰۲۴، پس از انتخابات ریاست جمهوری و مجلس در تایوان، پکن همچنان به اعمال فشار نظامی و اقتصادی و همچنین تبلیغاتی علیه تایوان ادامه می‌دهد. تایوان نقطه عطف بالقوه قابل توجهی برای رویارویی بین جمهوری خلق چین و ایالات متحده است زیرا پکن ادعا می‌کند که ایالات متحده از تایوان سوءاستفاده می‌کند تا رشد چین را تضعیف کند. پکن از تدابیر قوی‌تر برای عقب‌راندن از افزایش حمایت ایالات متحده از تایوان استفاده خواهد کرد. در دریای چین جنوبی، پکن به استفاده از قابلیت‌های نظامی و دریایی در

حال رشد خود ادامه خواهد داد تا مدعیان رقیب را بترساند و نشان دهد که بر مناطق مورد مناقشه کنترل دارد. به‌طور مشابه، چین به ژاپن بر سر مناطق مورد مناقشه در دریای چین شرقی فشار خواهد آورد. پکن قصد دارد نفوذ خود را در خارج از کشور گسترش دهد و به‌عنوان قهرمان توسعه جهانی از طریق چندین انجمن چندملیتی و ابتکاراتی مانند طرح کمربند و جاده، ابتکار توسعه جهانی و ابتکار امنیت جهانی مطرح شود. چین در حال ترویج جایگزینی برای نهاد توسعه و امنیت بین‌المللی موجود است که اغلب تحت تسلط غرب هستند. به‌عنوان بخشی از این تلاش، پکن به دنبال حمایت از توسعه و امنیت در جنوب جهانی به‌عنوان راهی برای ایجاد نفوذ جهانی خود است. پکن در حال متعادل کردن سطح حمایت خود از مسکو برای گریز از خطر برای منافع اقتصادی و دیپلماتیک خود است. جمهوری خلق چین از طریق حمایت از صنعت دفاعی روسیه، از طریق ارائه مواد و قطعات تسلیحاتی با کاربرد دوگانه، به جنگ روسیه در اوکراین کمک اقتصادی و امنیتی می‌کند. تجارت بین چین و روسیه از زمان آغاز جنگ در اوکراین افزایش یافته است و صادرات کالاهای چینی با استفاده نظامی بالقوه از سال ۲۰۲۲ بیش از سه برابر شده است. پکن تا سال ۲۰۳۵ بر تحقق هدف ایجاد یک نیروی دفاعی و نظامی کاملاً مدرن ملی متمرکز خواهد شد و تا سال ۲۰۴۹ ارتش چین به یک ارتش در کلاس جهانی تبدیل خواهد شد. چین برای اثبات برتری خود در امور منطقه‌ای و به نمایش گذاشتن قدرتش در سطح جهانی، به‌ویژه با توانایی بازدارندگی و مقابله با مداخله ایالات متحده در تنگه تایوان، آماده می‌شود. با توجه به پاکسازی افسران عالی‌رتبه ارتش چین از جمله وزیر دفاع در سال ۲۰۲۳، رهبران جمهوری خلق چین تقریباً به‌طور قطع نگران تأثیر مداوم فساد بر قابلیت‌ها و کارآمدی ارتش هستند. ارتش چین، سیستم‌های مدرنی را به کار گرفته است و صلاحیت خود را برای انجام عملیات مشترکی که نیروهای ایالات متحده و متحدانش را در غرب اقیانوس آرام تهدید کند، بهبود بخشیده است. نیروی دریایی چین در ناو هواپیمابر دارد و انتظار می‌رود پیشرفته‌ترین ناو خود را در سال ۲۰۲۴ به آب بیاورد. این ناو مجموعه‌ای از موشک‌های بالستیک و کروز و همچنین موشک مافوق صوت DF-۱۷ را در اختیار دارد و هواپیماهای جنگنده نسل پنجم را بر روی خود حمل می‌کند. نیروهای زمینی سناریوهای آموزشی واقع‌بینانه‌ای را برای بهبود آمادگی و توانایی خود برای اجرای عملیات، از جمله تهاجم احتمالی به تایوان، انجام داده‌اند. ارتش چین به‌دنبال ایجاد تانسینت نظامی در خارج از کشور است. چین علاوه بر توسعه پایگاه نظامی خود در جیبوتی و تأسیسات نظامی‌اش در پایگاه دریایی ریم در کامبوج، در حال بررسی تأسیسات نظامی در چندین مکان از جمله برمه، کوبا، گینه استوایی، پاکستان، جزایر سیشل، سریلانکا، تاجیکستان، تانزانیا و امارات متحده عربی است.

چالش‌های چین

اولویت‌بندی امنیت و ثبات از سوی شی‌جین‌پینگ برای حزب کمونیست، توانایی چین برای حل مشکلات پیچیده داخلی را تضعیف می‌کند و مانع دستیابی به هدف حزب کمونیست برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ در صحنه جهانی می‌شود. رهبران چین احتمالاً پیش از همه نگران فساد هستند. تمرکز رویه رشد پکن بر روی امنیت ملی موجب شده که چین قوانین جدیدی را در مورد امنیت داده‌ها و اقدامات ضد جاسوسی از طریق هدف قرار دادن شرکت‌های خارجی ایجاد کند. پکن، شرکت‌های فناوری چین را سرکوب می‌کند و از مردمش برای مشارکت در فعالیت‌های ضد جاسوسی کمک خواسته است. رئیس‌جمهوری چین به‌طور منظم توبیخ، هشدار عمومی، تحقیق و اخراج چهره‌ها را به اتهام فساد صورت می‌دهد. با این حال، تلاش‌های ضدفساد احتمالاً هرگز نخواهد توانست فساد را ریشه‌کن کند. به‌رغم کاهش محدودیت‌های تولد، نرخ زاد و ولد در چین همچنان رو به کاهش است. نرخ ازدواج در یک مسیر نزولی مشابه است که روند منفی جمعیت و کاهش نیروی کار را تقویت خواهد کرد. در هم‌آمیختن تهدیدهای امنیتی داخلی و خارجی توسط شی، موقعیت و جایگاه چین را در خارج از کشور تضعیف می‌کند و توانایی پکن را برای تأثیرگذاری بر ادراکات جهانی و دستیابی

در گزارش جامعه اطلاعاتی آمر

چین، روسیه و ایران سه

به اهدافش کاهش می‌دهد. رویکرد رادیکال پکن به جدایی‌طلبی در سین‌کیانگ، هنگ‌کنگ و تبت و همچنین سرکوب گسترده‌تر مذهب و مخالفت در چین، موجب شده است، انتقادهای گسترده جهانی از نقض حقوق بشر و مداخلات فراسرزمینی چین مطرح شود.

روسیه

جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین منجر به خسارات عظیمی در داخل و خارج از این کشور شده است اما روسیه همچنان یک دشمن مقاوم و توانا در طیف وسیعی از حوزه‌ها است و به‌دنبال طرح و دفاع از منافع خود در سطح جهانی و تضعیف ایالات متحده و غرب است. تقویت روابط روسیه با چین، ایران و کره شمالی با هدف تقویت تولیدات دفاعی و تقویت اقتصاد، چالش بزرگی برای غرب و شرکای آن است. روسیه به دنبال منافع خود از طریق رقابت و گاهی تقابل و تحریک خواهد بود. روسیه تقریباً به‌طور قطع خواهان درگیری نظامی مستقیم با نیروهای ایالات متحده و ناتو نیست و به فعالیت‌های نامتقارن ذیل آنچه که به‌عنوان آستانه درگیری نظامی در سطح جهانی می‌داند، ادامه خواهد داد. ولادیمیر پوتین احتمالاً معتقد است که روسیه تلاش‌های اوکراین برای بازپس‌گیری سرزمین‌های مهم را کمرنگ کرده است. او معتقد است که رویکرد او برای پیروزی در جنگ نتیجه داده و حمایت غرب و ایالات متحده از اوکراین با توجه به جنگ اسرائیل و حماس محدود شده است. پوتین احیای ژئوپلیتیک، توان اقتصادی و نظامی روسیه را تحت تأثیر قرار داده و با تهاجم گسترده به اوکراین به اعتبار بین‌المللی آن لطمه زده است. با این وجود، روسیه سیاست‌هایی را برای کاهش این هزینه‌ها اجرا می‌کند و از روابط خارجی برای به حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از تحریم‌ها و بازسازی اعتبار خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ استفاده می‌کند. تعامل عمیق اقتصادی مسکو با پکن، روسیه را به بازار بزرگی برای این کشور تبدیل کرده است. چین مهم‌ترین شریک تجاری روسیه است و تجارت دوجانبه این دو کشور در سال ۲۰۲۳ به بیش از ۲۲۰ میلیارد دلار رسیده است که در حال حاضر ۱۵ درصد از رکورد کل حجم سال ۲۰۲۲ خود فراتر رفته است. مسکو به استفاده از همه منابع قدرت ملی خود برای پیشبرد منافعش و تلاش برای تضعیف ایالات متحده و متحدانش ادامه خواهد داد اما در انجام این کار با چالش‌هایی مانند جدایی از بازارها و فناوری غربی و فرار سرمایه‌های انسانی مواجه است. تولید ناخالص داخلی روسیه در مسیر رشد متوسطی در سال ۲۰۲۴ قرار دارد، اما رقابت‌پذیری بلندمدت آن در مقایسه با چشم‌انداز قبل از جنگ کاهش یافته است. روسیه هزینه‌های اجتماعی را افزایش داده است تا افکار عمومی را از اعتراض باز دارد. در عوض مالیات بر شرکت‌ها را افزایش داده و گزینه‌های جدید درآمدی برای خود ایجاد کرده است. مسکو با موفقیت صادرات نفت خود را افزایش داده است و احتمالاً در حال فروش حجم قابل توجهی بالاتر از سقف تعیین قیمت نفت خام و فرآورده‌های پالایش‌شده توسط گروه هفت است که به ترتیب در دسامبر ۲۰۲۲ و فوریه ۲۰۲۳ اجرایی شد. روسیه اهرم انرژی خود را به شکل قابل توجهی حفظ خواهد کرد. در نیمه اول سال ۲۰۲۳، روسیه همچنان دومین تامین‌کننده گاز طبیعی مایع به اروپا بود و کاهش صادرات نفت خام خود را به‌عنوان بخشی از تعهدات اوپک پلاس اعلام کرد. روسیه کاهش روابط خود با غرب را با گسترش روابط با چین، ایران، کره شمالی و کشورهای کلیدی جهانی جنوبی جبران می‌کند. تلاش‌های مجدد ارمنستان، مولداوی و برخی از کشورهای آسیای مرکزی برای جست‌وجوی شریک به جای روسیه نشان می‌دهد که چگونه جنگ به نفوذ مسکو، حتی در فضای پس از شوروی، آسیب رسانده است. عدم تمایل روسیه به صرف منابع و سرمایه سیاسی برای ممانعت از اقدام آذربایجان در بازپس‌گیری قره‌باغ کوهستانی با توسل به اقدام نظامی، نشان می‌دهد که چگونه جنگ مسکو در اوکراین نقش این کشور را به‌عنوان یک حکم امنیت منطقه‌ای تضعیف کرده است.

درگیری در اوکراین

عملیات نظامی روسیه علیه اوکراین هزینه‌های عمده و پایداری را برای روسیه به همراه داشته و توانست به انقیاد کامل اوکراین ختم